



Designing a model for the transformation of humanities in the Islamic Republic of Iran from the perspective of Ayatollah Khamenei (Supreme Leader)

Mohammad-Mahdi Karimpour¹

1. Researcher, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Email: mrmmk151@gmail.com

Volume info

Vol. 5
Series: 18
Summer 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
15 September 2025

Revised:
17 November 2025

Accepted:
10 February 2026

Published:
22 June 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685



Abstract

Islamic humanities are considered one of the most important intellectual, scientific and cultural challenges of the Islamic Republic of Iran after the victory of the Islamic Revolution and have always been one of the main concerns of the Imams of the Revolution. The importance of this issue stems from the fact that the current humanities are mainly based on Western epistemological and philosophical foundations and, if not reconstructed and localized, can create serious conflicts with the religious and cultural foundations of Islamic society. Over the past three decades, the Supreme Leader of the Islamic Revolution has also repeatedly emphasized the necessity of transformation in the humanities in his speeches and specialized meetings, considering it the main condition for the country's real progress. Therefore, a detailed examination of his thoughts and statements in this area is considered a fundamental step towards achieving a local model of transformation. In this study, using the content analysis method, 138 themes were extracted from the statements of His Highness Ayatollah Khamenei. Then, these themes were reduced to 41 basic themes in the coding and analysis process. In the next stage, by combining and organizing these themes, 29 organizing themes were formed and finally 5 final comprehensive themes were formulated. Based on these comprehensive themes and relying on the extracted macro strategies, a comprehensive model of the development of Islamic humanities was designed, which can be a theoretical basis for the country's scientific and academic policy-making.

Keywords: : Model of transformation, transformation of humanities, Islamic humanities, Ayatollah Khamenei.

Cite this Paper: Karimpour M. (2026). Designing a model for the transformation of humanities in the Islamic Republic of Iran from the perspective of Ayatollah Khamenei (Supreme Leader). *Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution*. 5(18), 113-149



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



طراحی الگوی تحول علوم انسانی به سوی تمدن نوین اسلامی

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (اعلی‌الله مقامه الشریف)

محمد مهدی کریم‌پور^۱

Email: mrrmmk151@gmail.com

۱. پژوهشگر، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران.

چکیده

علوم انسانی اسلامی یکی از مهم‌ترین چالش‌های فکری، علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید و همواره از اصلی‌ترین دغدغه‌های امامین انقلاب بوده است. اهمیت این موضوع از آن‌جا ناشی می‌شود که علوم انسانی رایج عمدتاً بر مبانی معرفتی و فلسفی غربی استوار است و در صورت بازسازی و بومی‌سازی نکردن، می‌تواند تعارضات جدی با مبانی دینی و فرهنگی جامعه اسلامی ایجاد کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در طول سه دهه گذشته، بارها در سخنرانی‌ها و دیدارهای تخصصی خود به ضرورت تحول در علوم انسانی تأکید کرده و آن را شرط اصلی پیشرفت واقعی کشور دانسته‌اند. از این رو بررسی دقیق اندیشه‌ها و بیانات ایشان در این حوزه، گامی اساسی برای دستیابی به الگوی بومی تحول محسوب می‌شود.

در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، تعداد ۱۳۸ مضمون از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی استخراج گردید. سپس این مضامین در فرآیند کدگذاری و تحلیل به ۴۱ مضمون پایه تقلیل یافت. در مرحله بعد، با ترکیب و سازمان‌دهی این مضامین، ۲۹ مضمون سازمان‌دهنده شکل گرفت و در نهایت ۵ مضمون فراگیر نهایی تدوین شد. بر اساس این مضامین فراگیر و با اتکا به راهبردهای کلان استخراج‌شده، الگوی جامع تحول علوم انسانی اسلامی طراحی گردید که می‌تواند مبنای نظری برای سیاست‌گذاری علمی و دانشگاهی کشور قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: الگوی تحول، تحول علوم انسانی، علوم انسانی اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای (اعلی‌الله مقامه الشریف).

سال و شماره

سال ۵، پیاپی: ۱۸
تابستان ۱۴۰۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۸۹۰۱-۲۹۸۰

الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱



استاد: کریم‌پور، محمدمهدی (۱۴۰۵). طراحی الگوی تحول علوم انسانی به سوی تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه

ای (اعلی‌الله مقامه الشریف)؛ مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ (۱۸)۵؛ ۱۴۹-۱۱۳.

نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



OPEN ACCESS

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب کبیر اسلامی، نمونه‌ای بی‌بدیل تاریخی از حرکت اجتماعی عظیمی است که با سرنگونی طاغوت و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی، امیدهای فراوانی را در دل مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان برای تحقق آرمان‌های بلند دولت اسلامی، جامعه اسلامی و درنهایت، تمدن بزرگ اسلامی پدید آورد. در این میان، نهادهای علمی، به‌ویژه دانشگاه‌ها، باید نقش کلیدی سوزن‌بانی و هدایت قطار پیشرفت و رشد جامعه در مسیر صحیح انقلابی و تمدن‌ساز را ایفا نمایند.

این مأموریت مهم که در حقیقت، سنگ بنای فکری و نرم‌افزاری تمدن‌سازی نوین اسلامی است، در حوزه علوم انسانی ظهور بسیار شدیدتری دارد. برای درک این اهمیت، باید علوم انسانی را نه به‌عنوان رشته‌هایی صرفاً آکادمیک، بلکه به‌عنوان «نرم‌افزار مدیریت جامعه» و «معمار نظام‌های اجتماعی» در نظر گرفت. تمدن، یک پدیده صرفاً مادی یا سخت‌افزاری نیست، بلکه در هسته خود، مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و ساختارهاست و علوم انسانی دقیقاً دانشی است که به این هسته نرم‌افزاری می‌پردازد.

هر تمدنی بر یک «جهانبینی» استوار است که به سؤالات اساسی «انسان»، «هستی» و «هدف زندگی» پاسخ می‌دهد. علوم انسانی غربی، مبتنی بر جهانبینی سکولار، مادی‌گرا و انسان‌محور (اومانیزم)، ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تمدن غربی را تولید کرده است. در مقابل، «تمدن نوین اسلامی» لاجرم باید مبتنی بر جهانبینی توحیدی و وحیانی باشد. هدف از «تحول در علوم انسانی» این است که این رشته‌ها بتوانند «نقشه راه» و «الگوهای» لازم برای ساختن جامعه‌ای بر مبنای عدالت، معنویت و عبودیت را ترسیم کنند. بنابراین، نمی‌توان با نقشه راه تمدن غربی، به مقصد تمدن اسلامی رسید.

از ابتدای انقلاب در مقاطع مختلفی بحث ضرورت تحول در علوم انسانی مطرح شده است؛ اما این موضوع از دهه هفتاد توسط رهبر معظم انقلاب مدظله مطرح و از جامعه علمی مطالبه شد و به مرور تبدیل به یک گفتمان در مجامع علمی گردید.

از منظر رهبر معظم انقلاب مدظله «بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روانشناسی، در

فلسفه؛ آن‌ها هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند» (۱۳۸۷/۲/۱۴) و «علوم انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبۀ کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند؛ بنابراین آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین‌کننده است». (۱۳۹۱/۱۲/۰۱) «علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه دانش‌ها، همه تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت می‌دهد، مشخص می‌کند که ما کدام طرف داریم می‌رویم». (۱۳۹۰/۰۷/۱۳)

در سال‌های گذشته تلاش‌ها و اقداماتی توسط برخی نهادهای علمی در زمینه تحول علوم انسانی صورت گرفته است که دارای رویکردهای متفاوتی می‌باشند که بعضاً با یکدیگر در تناقض هستند. به همین جهت با توجه به ضرورت هماهنگی و همسویی تمامی اجزا و ارکان نظام جمهوری اسلامی با یک رویکرد و نظام فکری واحد جهت نیل به آن افق تمدنی، لازم است مبانی، اصول و نقشه راه تحول علوم انسانی از منویات رهبر معظم انقلاب مدظله به عنوان سکандار انقلاب اسلامی استخراج شود.

اهمیت و ضرورت

در طول تاریخ انقلاب اسلامی جریان‌های مختلفی با رویکردهای متفاوت به موضوع تحول علوم انسانی پرداخته‌اند. با توجه به این که این رویکردها همگی با مبانی دینی و اسلامی و اهداف تمدنی انقلاب همخوانی و همسویی نداشته‌اند لازم است یک ملاک و معیار مورد اطمینان جهت ارزیابی و نقد این رویکردها اتخاذ نمود. با توجه به این که رهبر انقلاب مدظله تعیین‌کننده سیاست‌های کلی انقلاب هستند لازم است مبانی و اصول مدنظر ایشان مبنای پایه‌ریزی و طراحی نقشه راه تحول علوم انسانی قرار بگیرد و هر برنامه و طرح دیگری مکمل طرح و نقشه برآمده از منویات ایشان باشد.

از طرفی بر اساس منظومه فکری رهبر معظم انقلاب مدظله، علوم انسانی ریل و تعیین‌کننده مسیر جامعه و بستر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است و لازم است مبانی، اصول، فرآیند و تمامی مراحل تحول علوم انسانی بر اساس منظومه فکری ایشان طراحی و اجرا گردد. این استعاره «ریل» بسیار کلیدی است؛ یک تمدن برای پایداری، نیازمند «نظام‌سازی» است. نظام سیاسی (برآمده از فلسفه سیاسی)، نظام اقتصادی (برآمده از علم اقتصاد)، نظام آموزشی (برآمده از فلسفه

تعلیم و تربیت) و نظام حقوقی (برآمده از جامعه‌شناسی و حقوق)، همگی برآمده از دل علوم انسانی هستند. اگر قطار «پیشرفت» جامعه (شامل علم، تکنولوژی و صنعت) بر روی «ریل» علوم انسانی غربی حرکت کند، مقصد آن هر چه باشد، «تمدن نوین اسلامی» نخواهد بود، بلکه نهایتاً به ایستگاهی شبیه به جوامع غربی خواهد رسید. «تحول» در اینجا به معنای تغییر این ریل‌گذاری و جهت‌دهی به تمام حرکت‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی کشور به سمت اهداف تمدنی انقلاب اسلامی است.

این مهم به چند دلیل اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. در وهله اول با توجه به این که ایشان ولی فقیه و نایب بر حق حضرت ولی عصر عجل می‌باشند فرامین و حتی بیانات ایشان نیز حجت شرعی می‌باشند و تبعیت از آن‌ها بر مابه لحاظ شرعی واجب است. همچنین باید توجه داشت ایشان فقیهی عادل و حکیمی آینده‌نگر هستند که بر تمامی مسائل و نیازهای جامعه اشراف دارند. به همین جهت بهترین مرجع و راهنمای راه جهت تحول علوم انسانی ناظر به حل مسائل انقلاب اسلامی و ترسیم نقشه راه تمدن نوین اسلامی نیز منویات و رهنمودهای ایشان می‌باشد. علاوه بر جایگاه شرعی و اشراف حکیمانه ایشان بر نیازهای انقلاب اسلامی و ریل‌گذاری جهت نیل به تمدن نوین اسلامی می‌توان ایشان را به عنوان یک اندیشمند و صاحب نظر در زمینه علوم انسانی اسلامی برگزید و از رهنمودهای عمیق و دقیق ایشان در این مسیر استفاده نمود و در پایان شایان ذکر است که با توجه به اصل ۱۱۰ قانون اساسی که یکی از وظایف رهبر انقلاب را تعیین سیاست‌های کلی نظام می‌داند، جایگاه حقوقی و قانونی ایشان نیز به عنوان رهبر جامعه تبعیت از فرامین ایشان را بر ما واجب می‌کند.

در صورت توجه نکردن به منویات ایشان در زمینه ضرورت تحول علوم انسانی و اقدام نکردن نسبت به وقوع آن، خطر ایجاد یک «تضاد درونی» و ساختاری در نظام جمهوری اسلامی جدی خواهد بود. به این معنا که در سطح آرمان‌ها (نرم‌افزار)، نظام به دنبال تحقق جامعه‌ای توحیدی و تمدنی اسلامی است، اما در سطح اجرا (مدیریت)، نظام آموزشی و دستگاه‌های حاکمیتی مبتنی بر همان ریل قبلی که ابتناء بر نظریه‌های مسموم غربی دارند پیش خواهند رفت و به تبع اهداف متعالی انقلاب اسلامی و در رأس آن، آرمان تمدن نوین اسلامی، محقق نخواهد شد.

پیشینه تحول علوم انسانی در ایران

مقاله: «بررسی عوامل مؤثر بر تحول علوم انسانی» (مشایخی پور، ۱۳۹۸)

این مقاله به شناسایی «عوامل مؤثر» (Factors) بر تحول علوم انسانی می‌پردازد. نویسنده عواملی همچون «تبیین و تحلیل دقیق و بنیادین» موضوع، «توجه به میراث غنی اسلامی»، «جامعیت»، «باورمندی»، «توانمندی‌ها»، «آموزش» و «سیاست‌های تشویقی» را به‌عنوان ارکان اساسی این تحول معرفی می‌کند.

این پژوهش، پیش‌نیازها و الزامات تحول را به‌خوبی شناسایی می‌کند، اما در سطح شناسایی «عوامل» متوقف می‌ماند. این مقاله به این سوال پاسخ می‌دهد که «چه چیزهایی برای تحول لازم است؟»، اما پژوهش حاضر به این سوال می‌پردازد که «الگوی جامع تحول چیست؟». این پژوهش با استخراج مضامین فراگیر، این عوامل را در یک چارچوب منسجم و سیاستی سازمان‌دهی می‌کند.

مقاله: «علوم انسانی؛ چیستی، ساخت‌ها و فرآیندهای تحول در آن» (خسروپناه، ۱۳۹۶)

این مقاله یکی از جامع‌ترین مدل‌های نظری را ارائه می‌دهد. نویسنده تحول را «تبدیل پایدار و دارای مرجعیت علمی در مبانی، روش‌ها، مفاهیم، ساختارها، نظریه‌ها و متون» تعریف می‌کند. این مقاله سه «ساحت» تحول (بهینه‌سازی، بومی‌سازی، اسلامی‌سازی) و سه «فرایند» برای تحقق آن معرفی می‌کند:

«فرآیند راهبردی: شامل فرهنگ‌سازی، نقد، تولید و ترویج.

«فرآیند اجرایی (مدیریتی): شامل تشکیل شورای مقدماتی، شورای سیاست‌گذاری و گروه‌های تخصصی.

«فرآیند معرفتی: شامل نقد میراث غربی، کشف میراث اسلامی و تولید فلسفه و نظریه‌های بومی.

این یک مدل مفهومی و نظری بسیار قدرتمند است که توسط یک اندیشمند ارائه شده است. تفاوت آن با پژوهش حاضر در «منبع اعتبار» الگوی خسروپناه یک «ساخت آکادمیک» (Academic Construct) است، در حالی که الگوی پژوهش حاضر یک «استخراج سیاستی» (Policy Extraction) مستقیم از بیانات رهبر انقلاب به عنوان سیاست‌گذار اصلی نظام است و اعتبار خود را از آن جایگاه می‌گیرد.

مقاله: «فرآیند برنامه‌ای پالایش، پیرایش و پیدایش در تحول علوم انسانی» (پیروزمند و چگنی، ۱۳۹۸)

این مقاله یک مدل فرآیندی (Process-based) مشخص و سه مرحله‌ای را برای تحول در علوم انسانی ارائه می‌کند. این سه مرحله عبارتند از:

➤ **پالایش (ترمیم وضعیت):** مرحله کوتاه مدت برای تغییرات ظاهری و حذف موارد مخالفت قطعی با دین.

➤ **پیرایش (تغییر وضعیت):** مرحله میان مدت، نقد نظام‌مند نظریه‌های غربی و تولید نظریه‌های اسلامی به صورت بخشی.

➤ **پیدایش (تکامل وضعیت):** مرحله بلندمدت و تحول بنیادین، فراگیر و منسجم مبتنی بر مبانی اسلامی.

این مدل، یک نقشه راه «زمانی» و «مرحله‌ای» بسیار کارآمد ارائه می‌دهد. این پژوهش در عرض این مدل قرار می‌گیرد. الگوی سه مرحله‌ای پیروزمند و چگنی «چگونه» (How) و در «چه زمانی» (When) تحول رخ دهد را مشخص می‌کند، اما الگوی ۵ مضمونی این پژوهش «چه چیزی» (What) باید متحول شود را بر اساس دیدگاه رهبری تبیین می‌کند. این دو الگو مکمل یکدیگرند.

مقاله: «ارائه الگوی تحول علوم انسانی» (پیروزمند و حجازی، ۱۴۰۲)

این پژوهش نیز با استناد به بیانات رهبر انقلاب، یک الگوی جامع برای تحول ارائه می‌دهد. این الگو تحول را در سه جنبه متوازن «محتوا»، «برنامه» و «سازمان» علوم انسانی پیگیری می‌کند. این

مقاله همچنین از مراحل «پالایش، پیرایش و پیدایش» (برگرفته از منبع قبلی) به عنوان بخشی از «الگوی تحول برنامه» استفاده می‌کند.

این پژوهش از نظر هدف (ارائه الگو) و منبع (بیانات رهبری) بسیار به این پژوهش نزدیک است. مزیت این پژوهش در «شفافیت روش‌شناختی» است. این مقاله روش خود را «تحقیق تکاملی ابداعی فرهنگستان علوم اسلامی» معرفی می‌کند که یک روش اختصاصی است. در مقابل، این پژوهش از روش علمی رایج و شناخته‌شده «تحلیل مضمون» (Thematic Analysis) برای استخراج نظام‌مند مضامین (پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر) استفاده کرده و فرآیند دستیابی به ۵ مضمون نهایی را به روشنی نشان می‌دهد.

مقاله: «تحلیل مولفه‌های خط مشی تحول علوم انسانی با استفاده از رویکرد تحلیل اهمیت - عملکرد» (قلی پور و رازینی، ۱۳۹۵)

این مقاله از نظر روش‌شناسی (تحلیل مضمونی بیانات رهبری) نزدیک‌ترین مورد به این پژوهش است. این پژوهش نیز مؤلفه‌های تحول را از سیاست‌های کلی و بیانات رهبری استخراج کرده است. سپس با استفاده از مدل «تحلیل اهمیت-عملکرد» (IPA) و نظرسنجی از خبرگان، عملکرد سیاست‌های فعلی را ارزیابی می‌کند.

تفاوت اساسی این پژوهش با پژوهش حاضر در «هدف» است. هدف این مقاله، «ارزشیابی عملکرد» (Performance Evaluation) سیاست‌های گذشته برای یافتن شکاف‌ها و اولویت‌های فعلی است. اما هدف پژوهش حاضر، «طراحی الگوی جامع» (Model Design) برای سیاست‌گذاری آینده است. این پژوهش با استخراج ۵ مضمون فراگیر، به دنبال ساختن یک مدل مبنایی است، در حالی که این مقاله از مضامین استخراج‌شده صرفاً به عنوان «شاخص» برای ارزیابی عملکرد استفاده کرده است.

مقاله: «کاربست رویکرد میان‌رشته‌ای در مسئله تحول علوم انسانی (بازخوانی تاریخ نهضت ترجمه)» (شاه آبادی و پورعزت، ۱۳۹۵)

این مقاله با رویکردی تاریخی و میان‌رشته‌ای، «نهضت ترجمه» در تمدن اسلامی را بازخوانی می‌کند. این پژوهش بر اساس آن تجربه تاریخی، مدل «ترجمه تحول‌گرا» را پیشنهاد می‌دهد که شامل زنجیره‌ای از گزینش متون، ترجمه، تصحیح، شرح، تلخیص، نقد و در نهایت نوآوری است. این پژوهش یک الگوی ارزشمند «برگرفته از تاریخ» ارائه می‌دهد که بر چگونگی تعامل با دانش غربی متمرکز است. با این حال، مبنای آن یک قیاس تاریخی است، نه تحلیل نظام‌مند بیانات و منویات رهبری که مستقیماً برای «سیاست‌گذاری» در جمهوری اسلامی طراحی شده باشد.

مقاله: «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بسط و تحول علوم انسانی با رویکرد اسلامی» (محسنی، ۱۳۹۸)

این مقاله به بررسی تأثیر کلی انقلاب اسلامی بر علوم انسانی و ضرورت اسلامی‌سازی آن می‌پردازد و به صورت توصیفی-تحلیلی، مبانی، مؤلفه‌ها، ساحت‌ها و فرآیندهای راهبردی (فرهنگ‌سازی، نقد، تولید، ترویج) و اجرایی تحول را مرور می‌کند. این پژوهش یک مرور جامع بر ابعاد مختلف بحث «تحول» ارائه می‌دهد و به نوعی ادبیات نظری موضوع را دسته‌بندی می‌کند. اما مانند منبع شماره ۱، فاقد ارائه یک «الگوی منسجم» و «واحد» است و صرفاً به توصیف مؤلفه‌هایی می‌پردازد که باید در تحول مدنظر قرار گیرند.

مقاله: «اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن» (قمصری فر و انوری، ۱۳۹۸)

این مقاله بر ضرورت تحول علوم انسانی برای رسیدن به «تمدن‌سازی اسلامی» تأکید دارد. مقاله ضمن اشاره به ناکارآمدی علوم انسانی غربی، بیان می‌کند که این مهم تنها از طریق «تدوین نقشه راه تحول علوم انسانی» حاصل می‌شود و به بررسی دیدگاه‌های مختلف در برخورد با علوم انسانی (انقلابی، اصلاحی، و نقادانه) می‌پردازد.

این منبع، اهمیت موضوع و ضرورت تدوین نقشه راه را به‌خوبی تبیین می‌کند، اما خود «نقشه راه» یا «الگوی جامع» را ارائه نمی‌دهد. در واقع، این مقاله «صورت مسئله»‌ای را مطرح می‌کند که پژوهش حاضر قصد دارد برای آن «راه‌حل» (یعنی الگوی جامع مبتنی بر دیدگاه رهبری) ارائه دهد.

مقاله: «جایگاه طبقه‌بندی نظریات علم دینی در سیاست‌گذاری فرایند تحول علوم انسانی» (موحد ابطحی، ۱۳۹۵)

این مقاله به یک آسیب‌شناسی دقیق در مورد عدم موفقیت تحول می‌پردازد. نویسنده معتقد است علت اصلی ناکامی، «فقدان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق» و «رشد روزافزون و واگرایی نظریه‌ها» در این حوزه است. راه‌حل پیشنهادی، «همگرا کردن» (Coherence) و «طبقه‌بندی» نظریات موجود برای امکان‌پذیر ساختن سیاست‌گذاری است. این مقاله دقیقاً «خلاً» موجود را شناسایی می‌کند. این پژوهش یک «فرا تحلیل» (Meta-analysis) از مشکل است و نشان می‌دهد که تعدد نظریات مانع عمل شده است. اما پژوهش حاضر مستقیماً به این خلاً پاسخ می‌دهد؛ یعنی به جای طبقه‌بندی نظریات مختلف، یک «الگوی جامع و واحد» بر اساس دیدگاه رهبری ارائه می‌دهد تا مبنای همان سیاست‌گذاری دقیق قرار گیرد.

مقاله: «علم دینی در ایران» (سوزنجی، ۱۳۹۰)

این مقاله به ریشه‌های تاریخی و فکری بحث «علم دینی» در ایران می‌پردازد. استدلال اصلی آن این است که بخش زیادی از نزاع‌های فعلی ناشی از «سوء تفاهم‌ها» و «جنبال‌های سیاسی» است. نویسنده سپس جریانات فکری موافق و مخالف را بر اساس مبانی معرفتی‌شان دسته‌بندی می‌کند (مانند تجربه‌گرایان انحصاری، تفکیک‌کنندگان قلمرو، و طرفداران تعامل معرفتی). این یک «تحلیل گفتمان» (Discourse Analysis) از خود بحث است. این پژوهش زمینه و بستر تاریخی ضرورت بحث تحول را فراهم می‌کند، اما خود الگویی برای تحول ارائه نمی‌دهد. پژوهش حاضر از سطح تحلیل «درباره» بحث عبور کرده و وارد «طراحی» الگوی تحول شده است.

مقاله: «الگویی از اسلامی‌سازی علوم، دیدگاه‌شناسی قرآن کریم در دانش آینده‌پژوهی» (عالی نژاد، ۱۳۹۷)

این مقاله یک «نمونه» (Pattern) و مطالعه موردی از اسلامی‌سازی را در یک حوزه خاص، یعنی «دانش آینده‌پژوهی» ارائه می‌دهد. روش آن، «تفسیر موضوعی» قرآن کریم برای استخراج دیدگاه قرآن در چهار حوزه «مفاهیم»، «مبانی»، «اصول» و «روش‌ها»ی آن دانش خاص است.

این یک «مطالعه موردی» (Case Study) ارزشمند در یک رشته خاص است و منبع آن «قرآن کریم» می‌باشد. اما پژوهش حاضر، اولاً محدود به یک رشته نیست و «الگوی جامع» برای کل علوم انسانی ارائه می‌دهد، و ثانیاً منبع آن «بیانات رهبری» جهت سیاست‌گذاری است، نه صرفاً استخراج مبانی از قرآن (هرچند رهبری خود بر استخراج از قرآن تأکید دارند).

مقاله: «حوزه‌ی دیروز حوزه‌ی امروز؛ فراز و فرود در تحول علوم انسانی» (معینی پور، ۱۳۹۱)

این یادداشت بر نقش محوری «حوزه علمیه» در فرایند تحول علوم انسانی تأکید می‌کند. نویسنده بیان می‌کند که حوزه علمیه باید «نرم‌افزار» و مبانی این تحول را بر اساس روش اجتهادی تأمین کند و سؤالاتی در مورد آمادگی و روش‌شناسی حوزه برای ایفای این نقش مطرح می‌کند. تمرکز این منبع بر «بازیگر» (Actor) اصلی تحول (یعنی حوزه علمیه) است. اما پژوهش حاضر به این می‌پردازد که «چه کسی» باید متولی اصلی مبانی باشد، اما این پژوهش به این می‌پردازد که «الگوی جامع» مورد نظر رهبری «چیست» (که البته حوزه و دانشگاه هر دو در آن نقش دارند).

۱- مزیت‌های پژوهش حاضر

۱. تمرکز بر منبع اصلی سیاست‌گذاری (Authouritativness):

این پژوهش مستقیماً به سراغ بیانات رهبر معظم انقلاب به‌عنوان عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار کلان در این حوزه رفته است. این امر باعث می‌شود الگوی استخراج‌شده، بر خلاف الگوهای مبتنی بر قیاس تاریخی (مانند منبع ۵) یا نظریه‌پردازی‌های شخصی (مانند منبع ۲)، از بالاترین سطح اعتبار برای «سیاست‌گذاری علمی» در کشور برخوردار باشد.

۲. ارائه "الگو" به جای "عوامل" یا "ضرورت‌ها" (Constructive):

بسیاری از پژوهش‌های پیشین (مانند منابع ۱، ۳، ۷، ۸) در سطح تبیین ضرورت، اهمیت، یا فهرست کردن عوامل مؤثر متوقف مانده‌اند. مزیت این پژوهش این است که از این سطح عبور کرده و با استفاده از تحلیل مضمونی، این عوامل را به یک «الگوی جامع» (متشکل از ۵ مضمون فراگیر) تبدیل می‌کند که روابط بین اجزا را نشان می‌دهد.

۳. پاسخ به خلأ انسجام نظری (Integrative):

همان‌طور که در منبع ۶ (موحد ابطحی) و منبع ۹ (سوزنجی) به درستی اشاره شده، مشکل اصلی در اجرای تحول، «فقدان سیاست‌گذاری دقیق» ناشی از «رشد واگرایی نظریه‌ها» و «سوء تفاهم‌ها» بوده است. این پژوهش با ارائه یک الگوی واحد، جامع و مستند به کلام رهبری، دقیقاً آن «انسجام نظری» مورد نیاز برای سیاست‌گذاری را فراهم می‌کند و به این خلأ پاسخ می‌دهد.

۴. تفاوت در هدف‌گذاری با پژوهش‌های مشابه (Novelty in Purpose):

در مقایسه با نزدیک‌ترین پژوهش (منبع ۵: قلی‌پور و رازینی) که از روش مشابهی استفاده کرده، این پژوهش هدف متفاوتی دارد. آن پژوهش از تحلیل مضامین برای «ارزیابی عملکرد» (Evaluation) سیاست‌های گذشته استفاده کرد، اما این پژوهش از این روش برای «طراحی الگو» (Design) جهت سیاست‌گذاری آینده بهره می‌برد. این تغییر هدف، رویکرد شما را از یک پژوهش ارزیابانه به یک پژوهش بنیادی-کاربردی برای طراحی سیستم تبدیل می‌کند.

۵. جامعیت و شفافیت روش‌شناختی (Methodological Clarity & Systematic):

برخلاف پژوهش‌های متمرکز بر یک بُعد خاص (مانند منبع ۱۲ در مورد حوزه علمیه، یا منبع ۱۱ در مورد دانش آینده‌پژوهی)، الگوی شما به دلیل استخراج ۵ مضمون فراگیر، جامعیت دارد. همچنین در مقایسه با منبع ۸ (پیروزمند و حجازی) که الگویی مشابه ارائه می‌دهد، این پژوهش از روش‌شناسی علمی شناخته‌شده «تحلیل مضمون» برای استخراج نظام‌مند مضامین پایه (۴۱)، سازمان‌دهنده (۲۹) و فراگیر (۵) بهره برده که این فرآیند را شفاف و قابل اتکا می‌سازد.

ردیف	پدیدآورنده (ها)	عنوان مقاله	نشریه / همایش
۱	محسنی، مصطفی	تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بسط و تحول علوم انسانی با رویکرد اسلامی	همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران

ردیف	پدیدآورنده (ها)	عنوان مقاله	نشریه / همایش
۲	خسروپناه، عبدالحسین	علوم انسانی؛ چیستی، ساخت‌ها و فرآیندهای تحول در آن	مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی
۳	پیروزمند، علیرضا؛ چگنی، حسن	فرآیند برنامه‌ای پالایش، پیرایش و پیدایش در تحول علوم انسانی	نشریه تحقیقات بنیادین علوم انسانی
۴	پیروزمند، علیرضا؛ حجازی، احمد رضا	ارائه الگوی تحول علوم انسانی	نشریه مطالعات بین‌رشته ای دانش راهبردی
۵	قلی‌پور، حسین؛ رازینی، روح‌الله	تحلیل مؤلفه‌های خط‌مشی تحول علوم انسانی با استفاده از رویکرد تحلیل اهمیت - عملکرد	نشریه مطالعات راهبردی بسج
۶	شاه‌آبادی، محمد مهدی؛ پورعزت، علی‌اصغر	کاربست رویکرد میان‌رشته‌ای در مسئله تحول علوم انسانی (بازخوانی تاریخ نهضت ترجمه)	نشریه مطالعات میان‌رشته ای در علوم انسانی
۷	مشایخی‌پور، محمد علی	بررسی عوامل مؤثر بر تحول علوم انسانی	همایش علوم انسانی قرآن بنیان
۸	قمصری‌فر، محسن؛ انوری، صبر ماه	اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن	نشریه مطالعات فلسفی کلامی

ردیف	پدیدآورنده (ها)	عنوان مقاله	نشریه / همایش
۹	موحد ابطحی، محمد تقی	جایگاه طبقه بندی نظریات علم دینی در سیاست گذاری فرایند تحول علوم انسانی	نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا
۱۰	سوزنجی، حسین	علم دینی در ایران	مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی
۱۱	عالی نژاد، عبدالصمد	الگوی از اسلامی سازی علوم، دیدگاه شناسی قرآن کریم در دانش آینده پژوهی	نشریه تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی
۱۲	معینی پور، مسعود	حوزه ی دیروز حوزه ی امروز؛ فراز و فرود در تحول علوم انسانی	نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا

روش تحقیق

در این پژوهش برای جمع آوری داده‌ها از روش مطالعات کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. در این پژوهش برای تحلیل داده‌های به دست آمده از روش تحلیل مضمون استفاده می‌شود. تحلیل مضمون یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی است. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. (هالووی و تودرس، ۲۰۰۳، به نقل از تسلیمی و همکاران، ۱۳۹۰) تحلیل مضمون، یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های

1. Thematic Analysis

نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

کیفی است؛ به همین دلیل، بویاتزیس^۱ (۱۹۹۸، ص ۴)، آن را نه روشی خاص بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف، معرفی می‌کند. ریان^۲ و برنارد^۳ (۲۰۰۰) نیز کدگذاری مضامین را فرآیند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی، معرفی می‌کنند تا روشی منحصر به فرد و خاص. اما به عقیده براون^۴ و کلارک^۵ (۲۰۰۶)، تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف‌پذیری است. به همین دلیل در این پژوهش از روش تحلیل مضمون استفاده شده است که در ادامه در مورد آن توضیحاتی ارائه خواهد شد.

جمع‌آوری داده‌ها (فیش‌های به دست آمده)

در مرحله گردآوری داده‌ها از منویات رهبر معظم انقلاب مدظله العالی ۱۳۸ مضمون استخراج گردید که در ادامه از آن‌ها ۴۱ مضمون پایه به دست آمد. سپس با استفاده از مضامین پایه ۲۹ مضمون سازمان‌دهنده شکل گرفت و در نهایت ۵ مضمون فراگیر تشکیل شد. در ادامه جدول مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر خواهد آمد که به دلیل حجم بالای مضامین اولیه از ذکر آن‌ها خودداری شده است.

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
لازمه تحقق تمدن نوین اسلامی	تعیین‌کننده مسیر جامعه	اهمیت و ضرورت علوم انسانی
هوای تنفسی محیط علمی		
برتری شخصیت‌های علوم انسانی		
علوم انسانی؛ روح دانش		
تربیت‌کننده مدیران جامعه		
علوم انسانی؛ اداره‌کننده دنیا	جهت‌دهنده جهانی	
مانع سلطه دشمن	علم؛ ابزار قدرت	
نقش مهم علوم انسانی در صنعت	گستره وسیع علوم انسانی	امکان‌پذیری و امکان پذیري تحول
استعداد برتر ایرانی	امکان‌پذیری تحول	

1. Boyatzis
2. Ryan
3. Bernard
۴. Braun
۵. Clarke

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
اهمیت تحول در علوم انسانی		استقبال جهانی از نظریات جدید اسلامی
		امکان‌پذیری تکرار تمدن اسلامی
		پیشگامی در علوم انسانی
		سازگاری علم و دین در جهان‌بینی اسلامی
اهمیت تحول		پیشرفت علمی؛ مقدمه تبلیغ حق
		زمینه سازی درون‌زایی و استقلال علمی
		علوم انسانی اسلامی؛ کلید اساسی پیشرفت
وضع موجود علوم انسانی و علل آن	حوزه آموزش و تربیت	انزوای دروس اسلامی در علوم انسانی
		خلأ استاد مبرز در علوم انسانی
		فقدان محتوای آماده اسلامی
	حوزه پژوهش و حل مسأله	غرب‌گرایی و تقلید در علوم انسانی
		مبانی غلط علوم انسانی رایج
		ناکارآمدی علوم انسانی غریبومی در حل مسائل و تحقق آرمان‌ها
	علل عقب ماندگی ما در علوم انسانی	بازسازی نشدن علوم انسانی بر مبنای انقلاب اسلامی
		جدا شدن علم از دین
		جدایی حوزه و دانشگاه
		خودداری دشمن از انتشار دانش
		سیاست طاغوتی تقلید محض از غرب
		مبنای ضد دینی دانشگاه‌ها در دوران پهلوی
		مخالفت با ورود علم جدید به حوزه علمیه
الزامات تحول علوم انسانی	الزامات فرهنگی	شجاعت علمی
		نواندیشی و نوآوری
		جهاد و مجاهدت علمی
		روحیه توکل بر خدا
		ضرورت تزکیه و معنویت علمی
	الزامات رویکردی	توجه به عمق علمی در تولید علم

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
راهبردهای تحول در علوم انسانی	مدیریت فعالان و نخبگان علوم انسانی	پرهیز از شتاب‌آلودگی در تحول
		استفاده از سنت‌های حوزه‌های علمیه
		احراز معیارهای نخبگی علوم انسانی
	مدیریت و بکارگیری نخبگان و حمایت از آنها	جذب و بکارگیری نخبگان و حمایت از آنها
		سوق دادن نخبگان به علوم انسانی
		تدوین سند آمایش آموزش عالی
	جهت دهی به پژوهش‌ها با شاخص‌سازی مبتنی بر علوم انسانی اسلامی	ایجاد نظام‌های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی
		مرجعیت در مقالات (تأسیس مرکز آی اس آی اسلامی)
		حمایت و تبعیت دستگاه‌های اجرایی از مصوبات
	ایجاد ساختار ویژه برای تحول علوم انسانی	بازنگری و به‌روزرسانی برنامه‌ها
		انسجام و هم‌افزایی
		سرمایه‌گذاری و حمایت مادی و معنوی
		وحدت حوزه و دانشگاه
	گفتمان‌سازی علوم انسانی اسلامی	ایجاد خودآگاهی محیط علمی نسبت به فرهنگ غربی
		مقابله با معارضات علوم انسانی اسلامی
		برگزاری نشست‌های علمی و کرسی‌های آزاداندیشی
	تولید متن و محتوای علوم انسانی اسلامی	راه‌اندازی دروس خارج فقه حکومتی
		پایه‌ریزی علوم انسانی بر مبانی اسلامی
		تأکید بر مسئله محوری
		نظریه پردازی در علوم انسانی اسلامی
		اسلامی‌سازی متون درسی

تحلیل و بررسی داده‌ها

در این بخش به تحلیل و بررسی داده‌ها و مضامین به دست آمده پرداخته می‌شود. شایان ذکر است به دلیل محدودیت تعداد کلمات مقاله از شرح و توصیف تمامی مضامین خودداری شده و بیشتر به مضامین مهم‌تر و کلیدی‌تر پرداخته خواهد شد.

۱- اهمیت و ضرورت علوم انسانی

با توجه به این که موضوع مبحث تحول علوم انسانی است قبل از پرداختن به ضرورت و چگونگی تحول ابتدا لازم است درباره اهمیت، ضرورت و جایگاه علوم انسانی بحث شود. فرماده معظم کل قوا مدظله از جهات و ابعاد مختلف بر اهمیت و ضرورت علوم انسانی تأکید نموده‌اند که در ادامه به این مباحث می‌پردازیم.

۱-۱. تعیین‌کننده مسیر جامعه

از منظر رهبر معظم انقلاب مدظله العالی علوم انسانی تعیین‌کننده مسیر جامعه است و نسبت به سایر علوم نقشی اساسی در تعیین سرنوشت یک جامعه و یک کشور دارد.

۱-۲. جهت‌دهنده جهانی

علاوه بر آنکه علوم انسانی در پیشرفت، تعیین جهت و سرنوشت یک جامعه نقشی کلیدی و اساسی دارد می‌توان گفت جهت و مسیر جامعه جهانی بشریت نیز تحت تأثیر علوم انسانی است و این علوم نقشی کلیدی در تعیین مناسبات جهانی دارند.

۱-۳. علم؛ ابزار قدرت

۱-۳-۱. مانع سلطه دشمن

«هدف قدرتهای گردن‌کلفت جهانی سلطه است و با علم سلطه پیدا میکنند. اگر سطح علم کشور را بالا بیاورید، در مقابل سلطه‌ی دشمن یک مانع ایجاد کرده‌اید.» ارتقای سطح علمی یک

کشور می‌تواند از تلاش‌های سلطه‌جویان خارجی جلوگیری کند و در واقع موانعی را برای آنها ایجاد کند.

۱-۴. گستره وسیع علوم انسانی

علوم انسانی تنها در مسائلی که مستقیماً مربوط به این علوم می‌شوند ایفای نقش نمی‌کند و سایر علوم و حوزه‌های اجتماعی نیز نیازمند این علوم می‌باشند.

۱-۴-۱. نقش مهم علوم انسانی در صنعت

«در پیشرفت صنعتی، حدود چهل درصد [مسائل] مربوط به مسائل مهندسی و فنی است و حدود شصت درصد [مسائل] مربوط به مسائل علوم انسانی - مثل مدیریت، همکاری و سخت‌کوشی - است» علوم انسانی نقش مهمی در صنعت دارند و تأثیر گسترده‌ای روی طراحی، توسعه و عملکرد صنایع دارند.

۲- امکان‌پذیری، اهمیت و ضرورت تحول

در این بخش امکان‌پذیری تحول در علوم انسانی با ذکر دلایل و مصادیقی اثبات گردیده و اهمیت و ضرورت تحول نیز بررسی خواهد شد.

۲-۱. امکان‌پذیری تحول

۲-۱-۱. استعداد برتر ایرانی

بر اساس آمارها و داده‌های جهانی «متوسط استعداد کشور ما از متوسط جهانی بالاتر است»، در نتیجه تحول و تولید علوم انسانی اسلامی برای جوانان نخبه ایرانی کار سختی نیست. همان‌طور که نتیجه‌ی این استعداد در برخی عرصه‌های علمی به نتیجه رسیده است و باعث پیشرفت علمی کشور شده است. «پایه پیشرفت‌های علمی کشور در دوران دفاع مقدس گذاشته شد. امروز بسیاری از جوانانی که در بخش‌های بسیار حساس علمی کشور مشغول کار هستند، همان عناصر دفاع مقدس‌اند که با همان روحیه و انگیزه مشغول کار شده‌اند و امروز یک نمونه از کارهای

شگفت‌آمیز آنها همین غنی‌سازی مواد هسته‌ای است که جزو محرمانه‌ترین فناوری‌های جهانی است که قدرت‌ها آن را در دست در اختیار خود نگاه داشته‌اند.»

۲-۱-۲. استقبال جهانی از نظریات جدید اسلامی

اگر چه دنیای امروز دنیای جهالت و فاصله از ارزش‌های انسانی و دینی است اما «حتی در همین دنیای گمراه‌گر غربی، افراد بسیاری هستند که به دنبال حقیقت‌اند؛ انسان‌های دانشمند و دانش‌پژوهی هم هستند که دنبال حرف حساب و حق‌اند.»

۲-۲. اهمیت تحول

۲-۲-۱. پیشرفت علمی؛ مقدمه تبلیغ حق

«اگر ما بخواهیم کشورمان، ملتمان و امت اسلامی خود را به نقطه‌ای برسانیم که بتواند حرف حق خودش را با همین شجاعت بزند، احتیاج به علم داریم.» علم بر اساس حدیث شریف «العلم سلطان» به ما قدرت و اقتدار می‌دهد و در نتیجه می‌تواند ابزاری برای انتشار ارزش‌ها و آرمان‌های بر حق انقلاب اسلامی باشد. این مأموریت مهم بر دوش انقلاب اسلامی که در بین کشورهای اسلامی دارای مرجعیت است می‌باشد.

۲-۲-۲. زمینه‌سازی درونزایی و استقلال علمی

«یکی از مصداق‌های روشن [کار در دانشگاه‌ها] این است که ما رویکرد مصرف‌کنندگی علم را تبدیل کنیم به رویکرد تولید علم.» ممکن است مجبور باشیم در علوم انسانی مدتی شاگردی غرب را بکنیم اما نباید مقلد باشیم. «ما بایستی در علوم انسانی اجتهاد کنیم؛ نباید مقلد باشیم.» «ما می‌گوییم علوم انسانی را یاد بگیریم تا بتوانیم شکل بومی آن را خودمان تولید کنیم و این را به دنیا صادر کنیم.»

۴. وضع موجود علوم انسانی و علل آن

۴-۱. حوزه آموزش و تربیت

۴-۱-۱. انزوای دروس اسلامی در علوم انسانی

محقق نشدن تحول در علوم انسانی و بی توجهی به علوم انسانی اسلامی طرد علوم اسلامی خواهد شد. «نباید گذاشت میدانی باز شود برای اینکه علوم برخوردار از تفکر اسلامی و مهدی به هدایت اسلامی، منروی شوند و کنار بمانند»

۴-۱-۲. خلأ استاد مبرز در علوم انسانی

یکی از مهم‌ترین ارکان تربیت و آموزش اساتید دانشگاه هستند. با توجه به آمار ۲ میلیونی دانشجویان علوم انسانی خلأ استاد معتقد به جهانی بینی اسلامی و علوم انسانی اسلامی می‌تواند یک تهدید بزرگ باشد. تحول علوم انسانی و تولید متون دانشگاهی مبتنی بر علوم انسانی اسلامی می‌تواند منجر به تربیت دانشجویان نخبه و برطرف شدن خلأ موجود در زمینه اساتید علوم انسانی بشود.

۴-۲. حوزه پژوهش و حل مسئله

۴-۲-۱. غرب‌گرایی و تقلید زدگی در علوم انسانی

یکی از روحیات و خصایصی که در دوران طاغوت به جامعه علمی ما تزریق شد غرب زدگی و روحیه تقلید محض از دانشمندان غربی بود به صورتی که تعالیم علوم جدید غیرقابل خدشه فرض شود. «این درست نقطه مقابل آن تعلیم انبیا است که «يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» [که یعنی] آن دفینه‌های عقل و دفینه‌های اندیشه را در انسان‌ها زنده کردن، شوراندن و به ظهور رساندن.»

۴-۲-۲. ناکارآمدی علوم انسانی غیربومی در حل مسائل و تحقق آرمان‌ها

«اگر علوم سیاسی یا اقتصادی یا فلسفه یا مدیریت و بقیه علوم انسانی، مبتنی بر نگرش مادی به دنیا باشد و با ارزش‌های مادی بنا شده باشد، طبعاً نمی‌تواند خواسته‌ها و آرمان‌های جامعه‌ای را که مسلمان و مؤمن به معارف اسلامی هستند، برآورده کند.» زیرا «ناظر به نیازهای ما نیست. اصلاً ناظر

به مسائل دیگری است، مسائل ما را حل نمی‌کند. دیگرانی طرح مسئله کردند، برای خودشان حل کردند.»

۳-۴. علل عقب ماندگی ما در علوم انسانی

از جمله ضرورت های تحول در علوم انسانی و تولید علوم انسانی اسلامی عقب ماندگی ما در تولید علوم انسانی اسلامی متناسب با نیازهای انقلاب اسلامی است که در ادامه به برخی دلایل آن اشاره می‌شود.

۱-۳-۴. بازسازی نشدن علوم انسانی بر مبنای انقلاب اسلامی

«باید تلاش کرد برای اینکه علوم انسانی را بر پایه های اسلامی، با دید اسلامی، با تفکر اسلامی و مبتنی بر جهان بینی اسلامی تدوین کنیم» زیرا پس از گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی هنوز آن گونه که باید در این زمینه کار نشده است و تلاش های صورت گرفته کافی نبوده است.

۲-۳-۴. خودداری دشمن از انتشار دانش

کشورهایی که در عرصه علوم جدید پیشتاز هستند و سیاست های استکباری و استعماری دارند از این که دستاوردهای جدید و کاربردی علوم را در اختیار ما قرار بدهند خودداری می کنند و «درهای بسیاری از این دانش ها بر روی کشورهایی مثل کشور ما و غیر دارندگانش بسته است».

۳-۳-۴. سیاست طاغوتی تقلید محض از غرب

ورود دانش جدید به کشور ما همراه با تزریق روحیه تقلید و ترجمه محض دانش غربی و تحقیر توانایی های ملت ایران بود. دشمنان کشور به اندیشمندان و مجامع علمی ما «اجازه /تکاور و نوآوری و خلاقیت علم را ندادند» این در حالی است که برای رسیدن کشور به قله های پیشرفت و سعادت «علم و فکر را باید تولید کرد».

۴-۳-۴. مبنای ضدّ دینی دانشگاه ها در دوران پهلوی

«در دوران طاغوت بیشتر کسانی که زمام امور تحصیلات عالی در این کشور به دست آنها بوده است - جز عده معدودی از قبیل امیرکبیر - کسانی بوده اند که برای آنها منافع ملت ایران در

مقابل منافع بیگانگان، از هیچ رجحانی برخوردار نبود.» در نتیجه رویکرد و روحیه خودباوری و توانایی علمی روز به روز در ملت ما کم‌رنگ‌تر شد و کشور در عرصه‌های گوناگون اجتماعی عقب‌نگه داشته شد.

۴-۳-۵. مخالفت با ورود علم جدید به حوزه علمی

از جمله دلایل عقب ماندگی ما در زمینه علوم انسانی این بود که در دوران ورود علوم جدید به کشور «علمای دین، علمی را که به وسیله دشمنان دین و کفار می‌خواست ترویج بشود، با چشم بدبینی نگاه می‌کردند و طرد می‌کردند.»

۵. الزامات تحول علوم انسانی

تحول در علوم انسانی الزامات و اقتضائاتی دارد که لازم است به عنوان مجموعه‌ای از اصول در تمامی مراحل تحول علوم انسانی رعایت شود. در ادامه به بخشی از این اصول اشاره خواهد شد.

۱-۵. الزامات فرهنگی

۱-۱-۵. شجاعت علمی

«آنچه که اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهه همت خودشان باید قرار بدهند، اولاً شجاعت علمی در همه بخش‌هاست؛ نظریه را دنبال کنند، تولید کنند، خلق کنند، ابداع کنند، نقد کنند؛ چشم‌پسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد. مشکل ما در گذشته همیشه این بوده که در زمینه‌های مختلف - در همه زمینه‌های علمی - چشم‌پسته و تقلیدی نگاه کردیم که ببینیم غربی‌ها چه می‌گویند.»

۵-۱-۲. نواندیشی و نوآوری

«مسئله تحجر، فقط بلای محیط‌های دینی و افکار دینی نیست؛ در همه محیط‌ها تحجر، ایستایی و پایبند بودن به جزمی‌گرایی‌هایی که بر انسان تحمیل شده - بدون اینکه منطق درستی به دنبالش باشد - یک بلاست. آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه مسائل علمی، نواندیش باشد.»

۵-۱-۳. جهاد و مجاهدت علمی

ما در زمینه علوم انسانی دچار یک عقب ماندگی جدی هستیم و جبران این عقب ماندگی با فعالیت های عادی و مرسوم ممکن نیست. در نتیجه «تحول در علوم انسانی» تلاش لازم دارد؛ جهاد علمی لازم است، مجاهدت لازم دارد.»

۴-۱-۵. روحیه توکل بر خدا

«ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته دانش در همه زمینه ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه استقلال، روحیه توکل به خدا و روحیه کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راه های میابثر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم»

۵-۱-۵. ضرورت تزکیه و معنویت علمی

«خدای متعال پیغمبر را فرستاد تا او تعلیم بدهد و تزکیه کند؛ بنابراین، تعلیم و تزکیه با یکدیگر است؛ این باور که هر کسی وارد میدان علم شد، به طور طبیعی بایستی از فضیلت و معنویت و اخلاق کناره بگیرد، فکری کاملاً غلط و وارداتی و متکی به پیشینه ای است که در اروپای مسیحی به وجود آمد و به کلی با محیط اسلامی و با فهم و تعالیم اسلامی سازگار نیست.»

۵-۲. الزامات رویکردی

۵-۲-۱. توجه به عمق علمی در تولید علم

تولید علم نمی تواند توسط افراد با سطح سواد پایین و عمق علمی کم محقق شود و نیاز به کار علمی عمیق و تحقیقات دقیق دارد. «باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد.»

۵-۲-۲. پرهیز از شتاب‌آلودگی در تحول

اگر چه تحول در علوم انسانی یک فرایند ضروری و فوری است اما باید توجه داشت که این کار، «کار شتاب‌آلودی نیست - کار بلندمدتی است - کار مهمی است. ضمن اینکه نباید در این کار

شتاب‌زدگی کرد، عقب‌ماندگی هم در این کار مطلوب نیست و مورد قبول نیست؛ بایستی کار بشود.»

۵-۲-۳. استفاده از سنت‌های حوزه‌های علمیه

«ما در حوزه علمیه شیوه‌های بسیار خوبی رایج داریم، از قدیم معمول بوده [است]؛ [به عنوان مثال] شیوه انتخاب آزادانه استاد به وسیله طلبه. اساس کار طلبگی، فکر کردن و دقت کردن و مطالعه کردن است، نه حفظ کردن. حفظ محوری، همان چیزی است که امروز بالای تعلیم و تربیت جدید ماست و ما مدت‌هاست که داریم با آن مقابله و مبارزه می‌کنیم. طلبه درس را که می‌خواند، اولاً قبلاً پیش مطالعه می‌کند، ذهنش را آماده می‌کند تا از استاد حرف نوبشود. بعد از درس، آن درس را با یک زمیلی، رفیقی مباحثه می‌کند.» این سنت‌های مفید و مجرب می‌تواند در طراحی یک نظام آموزشی نوین برای علوم انسانی در دانشگاه‌ها نیز استفاده بشود.

۶- راهبردهای تحول در علوم انسانی

پس از شرح اهمیت و ضرورت علوم انسانی، امکان‌پذیری، اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی، آسیب‌شناسی وضع موجود و الزامات تحول علوم انسانی در این بخش به راهبردهای تحول در علوم انسانی می‌پردازیم.

۶-۱. مدیریت فعالان و نخبگان علوم انسانی

در هر عرصه‌ای سرمایه انسانی و افراد مهمترین رکن و اساسی‌ترین عامل در موفقیت آن عرصه هستند. در عرصه علوم انسانی و تحول در علوم انسانی نیز لازم است توجه ویژه‌ای به فعالان و نخبگان این عرصه شود که در ادامه به بخشی از اقدامات لازم می‌پردازیم.

۶-۱-۱. احراز معیارهای نخبگی علوم انسانی

برای شکوفاسازی استعدادهای نخبگان علوم انسانی و بکارگیری ظرفیت آنها در عرصه تخصصی خود باید توجه داشت که «تمایزی وجود دارد بین معیارهای نخبگی و زیدگی در علوم فنی و علوم انسانی. مآثرها

یک اندازه نیست، معیارها یک‌جور نیست». در نتیجه لازم است جهت مدیریت صحیح نخبگان عرصه علوم انسانی ابتدا معیارهای متناسب و بومی علوم انسانی را احراز کرد.

۲-۱-۶. جذب و بکارگیری نخبگان و حمایت از آن‌ها

«یک انسان نخبه آن‌وقتی سرافراز و سربلند است که بتواند در بهبود اوضاع کشور و خانه و ملت خودش و بهبود زندگی و آینده و تاریخ انسان‌هایی که ذی‌حق نسبت به او هستند، نقش ایفا کند. افتخار این است که کسی بتواند در داخل کشور خودش، برای کشورش پیشرفت، اعتلا، ترقی، آبرو و جبران عقب‌ماندگی‌ها را به وجود بیاورد.» در نتیجه وظیفه مسئولین مربوطه این است که زمینه و بستر جذب و بکارگیری استعداد نخبگان در داخل را فراهم کنند.

۳-۱-۶. سوق دادن نخبگان به علوم انسانی

نهادهایی که متولی جذب و حمایت از نخبگان هستند تا کنون حمایت‌های خوبی از نخبگان در عرصه‌های فنی و مهندسی کرده‌اند و ما در این زمینه رشد خوبی کرده‌ایم. اما جوانان نخبه ما می‌توانند در عرصه‌های اجتماعی مثل اقتصاد، فرهنگ و ... که اهمیت بسیار بالایی دارند نیز به حل مسائل و چالش‌های کشور پردازند.

۲-۶. مدیریت و بومی سازی رشته‌های علوم انسانی

۱-۲-۶. تدوین سند آمایش آموزش عالی

یکی از مهم‌ترین اقدامات در زمینه تحول علوم انسانی «اصلاح نظام پذیرش دانشجو و توجه ویژه به استعداد و علاقمندی دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی و افزایش ورود دانشجویان به دوره‌های تحصیلات تکمیلی» می‌باشد. به این معنی که لازم است ابتدا «نیازها و اولویت‌های علمی را تشخیص بدهیم و این را در برنامه‌ریزی‌های آموزشی مان دخالت بدهیم.» ما با امکانات محدود و با نیازهای فراوان، نباید به خودمان اجازه بدهیم که در کاری که از اولویت برخوردار نیست، سرمایه‌گذاری فکری و پولی و وقتی و انسانی بکنیم.

۳-۶. جهت دهی به پژوهش‌ها با شاخص سازی مبتنی بر علوم انسانی اسلامی

۱-۳-۶. ایجاد نظام‌های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه بندی

یکی از مهم‌ترین اقدامات و راهبردهای تحول علوم انسانی جهت دهی به پژوهش‌ها از طریق «ساماندهی و تقویت نظام‌های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه بندی در حوزه‌های علم و فناوری» است. در صورتی که شاخص‌های ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه بندی مبتنی بر علوم انسانی اسلامی باشد بخش قابل توجهی از پژوهش‌هایی که در کشور انجام می‌گیرد به سمت علوم انسانی اسلامی سوق پیدا خواهد کرد.

۲-۳-۶. مرجعیت در مقالات (تأسیس مرکز آی اس آی اسلامی)

راهبرد جهت دهی به پژوهش‌های علوم انسانی در خارج از مرزهای کشور نیز قابل تحقق است و «تبدیل ایران به مرکز ثبت مقالات علمی و جذب نتایج پژوهش‌های محققان، نخبگان علمی و نوآوران سایر کشورها بویژه جهان اسلام» می‌تواند به تمامی پژوهش‌های جهان اسلام در جهت تولید علوم انسانی اسلامی جهت بدهد.

۴-۶. ایجاد ساختار ویژه برای تحول علوم انسانی

تحول علوم انسانی یک فرایند پیچیده و کلان است که همکاری و همراهی نهادهای گوناگون علمی در کشور را می‌طلبد. به همین جهت نیازمند یک ساختار ویژه و سازوکارهای دقیق می‌باشد که از جمله وظایف این ساختار عبارتند از:

۱-۴-۶. حمایت و تبعیت دستگاه‌های اجرایی از مصوبات

از جمله وظایف شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی جلب حمایت و تبعیت سایر دستگاه‌های اجرایی است. «حمایت از بیرون هم باید وجود داشته باشد -حمایت گوناگون- که یکی از مصادیق این حمایت، تبعیت دانشگاه و وزارت از مصوبات شورای تحول است.»

۶-۴-۲. بازنگری و به‌روزرسانی برنامه‌ها

از جمله دیگر وظایف این ساختار «مدیریت دانش و پژوهش و انسجام بخشی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در حوزه علم و فناوری و ارتقاء مستمر شاخص‌ها و روزآمدسازی نقشه جامع علمی کشور با توجه به تحولات علمی و فنی در منطقه و جهان» است که نیازمند رصد دائمی عرصه علوم انسانی می‌باشد.

۶-۴-۳. انسجام و هم‌افزایی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای این ساختار ایجاد انسجام و هم‌افزایی بین تمامی عناصر و فعالان عرصه علوم انسانی است. «علاوه بر آنچه در شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه [تحول در علوم انسانی] انجام می‌گیرد، اساتید متعدد دانشگاه هم در این زمینه کارهای مهم و خودجوش دارند انجام می‌دهند که این کارها خوب است در یک صراط قرار بگیرد؛ یعنی این دو مجموعه کاری با یکدیگر هم‌افزایی کند تا ان شاء الله نتایجی عاید کشور و عاید دانشگاه کشور در این زمینه بشود»

۶-۴-۴. سرمایه‌گذاری و حمایت مادی و معنوی

«باید روی علوم انسانی در کشور، سرمایه‌گذاری فکری، عملی، پولی و تبلیغی بشود تا اینکه پیش بروند.» «مسئله‌ی برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بر روی پژوهش و بر روی کارهای اساسی و بنیانی باید حتماً انجام بگیرد.» از جمله مهم‌ترین اقدامات نیز «افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به حداقل ۴٪ تولید ناخالص داخلی تا پایان سال ۱۴۰۴ با تأکید بر مصرف بهینه منابع و ارتقاء بهره‌وری» می‌باشد.

۶-۴-۵. وحدت حوزه و دانشگاه

از جمله مهم‌ترین وظایف این ساختار «تحکیم و تعمیق پیوند حوزه و دانشگاه و تقویت همکاری‌های مستمر راهبردی» است به گونه‌ای که «طلاب و دانشجویان قدر یکدیگر را بدانند؛ با یکدیگر آشنا باشند، مرتبط باشند؛ احساس یگانگی نکنند؛ احساس خویشاوندی و برادری را حفظ کنند و روحانیون در دانشگاه‌ها کوشش کنند نمونه‌های کامل عالم دین و طلبه علوم دین را عملاً -

قبل از قولاً- به دانشجویان و دانشگاهیان ارائه بدهند و نشان بدهند؛ هر دو نسبت به یکدیگر با حساسیت مثبت و با علاقه همکاری کنند. این همکاری حوزه و دانشگاه و وحدت حوزه و دانشگاه است. البته باید برنامه‌ریزی و سازماندهی بشود.»

۵-۶. گفتمان سازی علوم انسانی اسلامی

۵-۶-۱. ایجاد خودآگاهی محیط علمی نسبت به فرهنگ غربی

از جمله مهم‌ترین راهبردهای تحول علوم انسانی در بخش گفتمان سازی «احیاء تاریخ علمی و فرهنگی مسلمانان و ایران و الگوسازی از مفاخر و چهره‌های موفق عرصه علم و فناوری» است. به این معنی که «یک خودآگاهی جمعی باید در همه محیط‌های علمی نسبت به فرهنگ وارداتی و تحکم‌آمیز و زورگویانه غربی به وجود آید. باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آن‌ها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حل‌جی کنند؛ روی آن‌ها سؤال بگذارند؛ این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای بیابند؛ هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است.»

۵-۶-۲. مقابله با معارضان علوم انسانی اسلامی

جریان و گفتمان معارض با انقلاب و علوم انسانی اسلامی ممکن است تلاش کنند دروس اسلامی یا اساتید مطرح در علوم انسانی اسلامی و یا پایان‌نامه‌های با موضوع علوم انسانی اسلامی را منزوی کنند و یا از میدان خارج کنند. «نباید گذاشت میدانی باز شود برای اینکه علوم برخوردار از تفکر اسلامی و مهدی به هدایت اسلامی، منزوی شوند و کنار بمانند.»

۵-۶-۳. برگزاری نشست‌های علمی و کرسی‌های آزاداندیشی

«تشکیل کرسی‌های نظریه پردازی و تقویت فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان و تبادل آراء و تضارب افکار، آزاداندیشی علمی» نیز از جمله اقدامات کلیدی در زمینه گفتمان سازی علوم انسانی اسلامی است.

۶-۶. تولید محتوای علوم انسانی اسلامی

۶-۶-۱. راه‌اندازی دروس خارج فقه حکومتی

«در قم باید درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی را که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل نوبه‌نو را که می‌برای ما دارد پیش می‌آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند، روشن کنند، بحث کنند، بحث‌های متین فقهی انجام بگیرد؛ بعد این بحث‌ها می‌آید دست روشنفکران و نخبگان گوناگون دانشگاهی و غیردانشگاهی، اینها را به فرآورده‌هایی تبدیل می‌کنند که برای افکار عموم، برای افکار دانشجویان، برای افکار ملت‌های دیگر قابل استفاده است.»

۶-۶-۲. پایه‌ریزی علوم انسانی بر مبانی اسلامی

«اساسی‌ترین کار [در زمینه علوم انسانی] این است که مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باید تدوین بشود.» «حوزه علمیه باید پایه‌های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلام را مستحکم بریزد.» «باید مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این، یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند.»

۶-۶-۳. تأکید بر مسئله محوری

«یکی از هدف‌های جامعه‌ی علمی کشور - نه فقط نخبگان، [بلکه] همه‌ی جوامع علمی؛ البته در مورد نخبگان این بیشتر مورد نیاز است - این است که باید به مسائل کشور فکر کنند، مسئله محور کار کنند؛ مسئله محوری مهم است. کشور مسائل اساسی‌ای دارد؛ باید به این‌ها توجه کرد، این‌ها بایستی از طرق علمی و با روش علمی حل بشوند؛ راه حل دارد.»

۶-۶-۴. نظریه پردازی در علوم انسانی اسلامی

«تشکیل کرسی‌های نظریه پردازی و تقویت فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان و تبادل آراء و تضارب افکار، آزاداندیشی علمی» از مهم‌ترین مطالبات رهبر معظم انقلاب دام‌ظله می‌باشد. ایشان

خطاب به جامعه علمی می‌فرمایند: «با الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی»

۶-۵. اسلامی‌سازی متون درسی

از جمله مهم‌ترین اقدامات جهت نیل به اهداف انقلاب اسلامی، «تحول و ارتقاء علوم انسانی بویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی با اصلاح و بازنگری در متون»^۱ می‌باشد که می‌تواند زمینه‌ساز تربیت دانشجویان بر اساس علوم انسانی اسلامی بشود.

۷- الگوی بصری داده‌های به دست آمده

پس از تحلیل و بررسی داده‌های به دست آمده از منویات فرماندهی معظم کل قوا مدظله‌العالی در عرصه تحول علوم انسانی، می‌توان آن‌ها را در ۵ دسته کلی به صورت بصری به شکل زیر نمایش داد:

۱. سیاست‌های کلی علم و فناوری (۱۳۹۳/۶/۲۹)



۸- الگوی پیشنهادی تحول در علوم انسانی

در بخش قبل راهبردهای تحول در علوم انسانی از منظر فرماندهی معظم کل قوا مدظله العالی تشریح گردید و با توجه به ضرورت تحول علوم انسانی بر اساس منویات ایشان، تحقق و اجرایی سازی راهبردهای استخراج شده نیازمند یک الگوی اجرایی برای تحول علوم انسانی است. در ادامه به توضیح الگوی پیشنهادی برای تحقق راهبردهای مذکور می پردازیم.

۸-۱. شناسایی، رصد و پایش

مدیریت یا ایجاد تحول در هر عرصه و یا پدیده‌ای نیازمند اشرف و آگاهی کامل به اجزاء و عناصر آن عرصه و یا پدیده دارد. هر عرصه و یا پدیده‌ای دارای دو دسته از عناصر می‌باشد که از

آن‌ها تحت عنوان سرمایه نام برده می‌شود. این دو دسته عبارتند از سرمایه انسانی شامل افراد و فعالان آن عرصه یا سازمان و سرمایه مادی شامل منابع فیزیکی و مالی. همان‌طور که در اولین راهبرد از راهبردهای استخراج شده یعنی اشاره شده است، یکی از مصادیق مدیریت فعالان و نخبگان علوم انسانی، جذب و بکارگیری نخبگان و حمایت از آن‌ها است و مدیریت و یا ایجاد تحول در یک سازمان یا یک عرصه مانند علوم انسانی بدون اشراف و تسلط کامل بر سرمایه انسانی و مادی یعنی شناسایی این نخبگان و فعالان، غیرممکن است. به همین جهت اولین رکن الگوی تحول، شناسایی فعالان و متعاطیان عرصه ی علوم انسانی است.



عرصه ی علوم انسانی مانند دیگر عرصه‌های اجتماعی یک عرصه ی پویاست و همواره در حال تغییر و تحول است. به این معنی که افراد و مجموعه‌های فعال در این عرصه ثابت نیستند و روز به روز تعدادی به این عرصه وارد و تعدادی نیز خارج می‌شوند. به همین جهت برای آن که اطلاعات به دست آمده در مرحله شناسایی به صورت دائمی به روز باشد لازم است به صورت دوره‌ای رصد و پایش صورت بگیرد. در نتیجه اصل رصد و پایش که لازمه ی یک اشراف کامل است جزئی از الگوی تحول می‌باشد.



۸-۲. استخراج الگوی مطلوب

تحول یک فرایند است و یک عرصه یا یک پدیده را از یک وضعیت به وضعیت دیگری که مطلوب و مورد انتظار است می‌رساند و تحول علوم انسانی نیز از این قاعده مستثنی نیست. همان‌طور که در ششمین راهبرد از راهبردهای استخراج شده یعنی تولید محتوای علوم انسانی اسلامی به

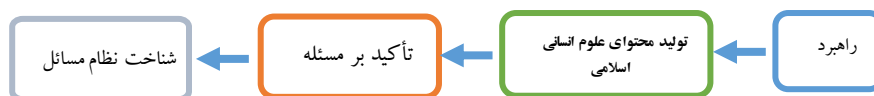
ضرورت نظریه پردازی در علوم انسانی اسلامی اشاره شده است یکی از الزامات و ارکان تحول علوم انسانی «**استخراج وضعیت مطلوب**» است. وضعیت مطلوب مقصد و در نتیجه جهت تحول را مشخص می‌کند و بدون تعیین و تشریح این مقصد هیچ گونه تحولی ممکن و مطلوب نیست.



۸-۳. شناخت نظام مسائل

همان‌طور که در بخش استخراج الگوی مطلوب ذکر شد تحول یک فرآیند است که از وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب ادامه دارد. بنابر این لازم است ناهم‌سویی و تفاوت‌های وضع موجود با وضع مطلوب که در اینجا مسئله نام دارد نیز شناسایی شود. بر اساس تأکیدات فرماندهی معظم کل قوا مدظله نیز مسئله محوری یکی از اصول و ارکان تولید علوم انسانی اسلامی است که در راهبرد ششم به آن اشاره شده است.

همچنین باید توجه داشت مسائلی که در یک عرصه و یا حول یک موضوع وجود دارند به صورت مستقل قابل تحلیل نیستند و با یکدیگر ارتباط شبکه‌ای دارند. به این معنی که هر کدام از آن‌ها معلول بخش دیگری از مسائل و علت یک سری مسائل دیگر هستند. به همین دلیل شناخت مسائل حول یک موضوع و حل آن‌ها مستلزم شناخت و استخراج «**نظام مسائل**» آن موضوع است. نظام مسائل به ما کمک می‌کند تا مسائل را اولویت‌بندی کنیم و کلان مسئله‌ها را شناسایی کنیم تا با حل آن‌ها مجموعه‌ای از مسائل با کمترین هزینه حل شوند.



۸-۴. سازماندهی، اقدام و شبکه‌سازی

بر اساس راهبرد چهارم رهبر معظم انقلاب تأکید بر طراحی ساختار ویژه برای تحول علوم انسانی دارند. زیرا پس از آن که ظرفیت‌ها و منابع مادی و معنوی شناسایی گردید و وضعیت

مطلوب و مورد انتظار استخراج شد و فاصله‌ی این دو وضعیت نیز تحت عنوان نظام مسائل احراز شد، محقق‌سازی تحول و حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب نیازمند یک سازماندهی هوشمندانه ذیل یک ساختار ویژه است. در سازماندهی لازم است به هر فرد یا مجموعه‌ای متناسب با ظرفیت‌های او، مأموریت ویژه‌ای واگذار شود و تمامی فعالیت‌ها و مأموریت‌ها به صورت هماهنگ و همسو راهبری گردد.

سازماندهی

طراحی ساختار ویژه برای تحول علوم

راهبرد

در بخش قبل بیان شد که سازماندهی لازمه‌ی تحول در علوم انسانی است و برای تحول باید مأموریت‌ها و اقداماتی به افراد و مجموعه‌ها محول گردد. در ادامه به بخشی از این اقدامات و مأموریت‌ها اشاره می‌گردد.

۸-۴-۱. حل مسئله

یکی از مصادیق این مأموریت‌ها حل مسئله‌های شناسایی شده مبتنی بر مبانی اسلامی است. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب^{۲۹} در راهبرد ششم تأکید بر پایه‌ریزی علوم انسانی بر مبانی اسلامی دارند لازم است گروهی از پژوهشگران با هدف تولید علوم انسانی اسلامی و همچنین حل مسائل کشور به حل مسائل با رویکرد اسلامی بپردازند.

شناخت نظام مسائل

تأکید بر مسئله محوری

تولید محتوای علوم انسانی اسلامی

راهبرد

۸-۴-۲. تولید متن و محتوای آموزشی

یکی از تأکیدات فرماندهی معظم کل قوا^{۳۰} مدظله العالی اسلامی سازی متون درسی ذیل راهبرد ششم یعنی تولید محتوای علوم انسانی اسلامی می‌باشد. با توجه به محوریت متون درسی در آموزش علوم انسانی، اسلامی سازی آن‌ها از جمله مهم‌ترین ضرورت‌ها و اقداماتی است که لازم است توسط نخبگان و دغدغه‌مندان علوم انسانی اسلامی در هر رشته صورت پذیرد.

تولید متن و محتوای آموزشی

اسلامی سازی متون درسی

تولید محتوای علوم انسانی اسلامی

راہبرد

۸-۴-۳. گفتمان سازی

از منظر رهبر معظم انقلاب مدظله العالی گفتمان سازی علوم انسانی شامل ایجاد خودآگاهی محیط علمی نسبت به فرهنگ و مبانی غلط غربی با برگزاری نشست‌های علمی و کرسی‌های آزاداندیشی و مقابله با معارضات علوم انسانی اسلامی از جمله الزامات تحول علوم انسانی است. به همین جهت لازم است برخی از مجموعه‌های فعال در عرصه‌ی علوم انسانی اسلامی در مرحله‌ی اقدام به این امر مهم بپردازند و علوم انسانی اسلامی را به گفتمان غالب در عرصه‌ی علوم انسانی کشور تبدیل کنند.

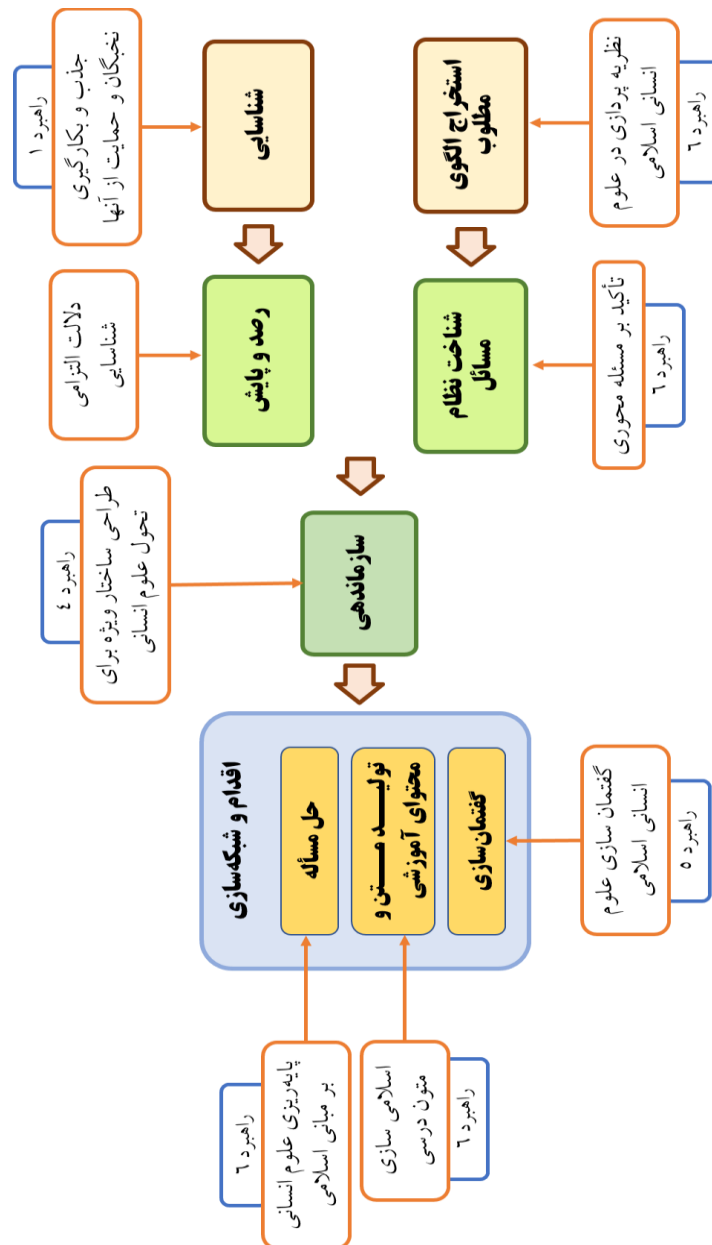
تولید متن و محتوای آموزشی

گفتمان سازی علوم انسانی اسلامی

راہبرد

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که در بخش قبل ملاحظه شد پس از تحلیل و بررسی مضامین به دست آمده از بیانات رهبر معظم انقلاب مدظله ۴ کلان راهبرد و ۳ راهبرد جزئی استخراج گردید که کلان راهبردها عبارتند از «شناسایی، رصد و پایش»، «استخراج الگوی مطلوب»، «شناخت نظام مسائل» و «سازماندهی، اقدام و شبکه سازی» و راهبردهای جزئی عبارتند از «حل مسئله»، «تولید متن و محتوای آموزشی» و «گفتمان سازی». در نهایت با ترکیب اجزا و مفاهیم به دست آمده از راهبردها می‌توانیم به یک الگوی جامع دست پیدا کنیم که می‌توان آن را به شکل زیر ترسیم کرد:



Reference

- Meeting with a group of students and scholars 1368/29/09. [In Persian]
- Meeting with the Minister and officials of the Ministry of Culture and Higher Education and the deans of universities across the country 1369/23/05. [In Persian]
- Meeting with members of the Supreme Council of the Cultural Revolution 1371/19/09. [In Persian]
- Meeting of the Board of Trustees and members of the Academy of Sciences with the Leader of the Revolution, 1372/24/08. [In Persian]
- Meeting with members of the Supreme Council of the Cultural Revolution 1372/29/09. [In Persian]
- Meeting of members of the Board of Directors of the Islamic Propaganda Office of the Qom Seminary with the Leader of the Revolution 1375/09/07. [In Persian]
- Statement at a meeting with members of the Cultural Revolution Council 1376/04/11. [In Persian]
- Meeting with a group of students and professors of Amir Kabir University of Technology 1379/09/12. [In Persian]
- Meeting with the youth of Isfahan Province 1380/12/08. [In Persian]
- Meeting with a group of members of the Qalam Association 1381/08/11. [In Persian]
- Reply to the letter A group of seminary graduates and researchers on the theory chairs 2002/16/11. [In Persian]
- Meeting with members of the Union of Islamic Student Associations 2003/26/06. [In Persian]
- Meeting with a group of university professors 2003/08/08. [In Persian]
- Meeting with a group of officials of the Academic Jihad 2004/01/04. [In Persian]
- Meeting with students and professors of universities in Hamadan province 2004/17/04. [In Persian]
- Meeting with a group of scientific elites 2004/05/04. [In Persian]
- Meeting with a group of university professors 2004/26/09. [In Persian]
- Meeting with a group of university presidents 2004/17/10. [In Persian]
- Meeting with members of the Supreme Council of the Cultural Revolution 2005/13/10. [In Persian]
- Meeting with professors and students of Imam Sadeq University (PBUH) 2005/29/10. [In Persian]
- Meeting with the deans of universities, higher education institutions and research centers 2006/23/05. [In Persian]
- Meeting with young elites 2006/25/06. [In Persian]
- Meeting with professors and members of the university faculty 2006/13/07. [In Persian]
- Meeting with a group of young elites 2006/12/06. [In Persian]
- Meeting with professors and students of Shiraz universities 2007/14/02. [In Persian]
- Meeting with scientific elites and university professors 2007/03/07. [In Persian]
- Communicating the general policies of "Science and Technology" 2007/21/10. [In Persian]
- Meeting with professors and students of Kurdistan 2009/27/02. [In Persian]
- Meeting with university professors 2009/08/06. [In Persian]
- Meeting with a group of women Quran scholars of the country 1388/07/28. [In Persian]
- Meeting with students 1389/05/31. [In Persian]
- Meeting with university professors 1389/06/14. [In Persian]
- Meeting with students, scholars and professors of Qom Seminary 1389/07/29. [In Persian]
- Meeting with a group of professors, scholars and elite students of Qom Seminary 1389/08/02. [In Persian]

- Meeting with members of the Supreme Council of the Cultural Revolution 1390/03/23. [In Persian]
- Meeting with a group of students 1390/05/19. [In Persian]
- Meeting with a group of academic elites and distinguished people 1390/07/13. [In Persian]
- Meeting with participants in the Sixth National Conference of Young Elites 1391/07/12. [In Persian]
- Statements at the Fourth Strategic Thoughts Meeting 1391/24/08. [In Persian]
- Meeting with a group of officials and participants of the People's Film Festival Ammar1391 /12/01. [In Persian]
- Meeting with members of the Supreme Council of the Cultural Revolution 1391/09/19. [In Persian]
- Meeting with university professors 1393/04/11. [In Persian]
- Communicating the general policies of "Science and Technology" 1393/06/29. [In Persian]
- The order to start the new term of the Supreme Council of the Cultural Revolution 1393/07/26. [In Persian]
- Appointment of members of the Board of Trustees of the Imam Sadiq University (PBUH) 1394/03/25. [In Persian]
- General policies of the Sixth Development Plan 1394/04/09. [In Persian]
- Meeting with university professors 1394/04/13. [In Persian]
- Meeting with the participants of the First International Congress of the Quran and Humanities 1397/03/01. [In Persian]
- Statement at a meeting of a group of students, 1396/03/17. [In Persian]
- Meeting with participants in the Congress "The Role of Shiites in the Origin and Development of Islamic Sciences", 1397/22/02. [In Persian]
- Meeting with a group of professors, elites and researchers from universities 1397/20/03. [In Persian]
- Statement in a meeting with elites and outstanding academic talents, 1398/17/07. [In Persian]
- Statement in a meeting with members of the Supreme Council of Seminaries 1398/14/11
- Television speech on the occasion of the 31st anniversary of the passing of Imam Khomeini (RA) 1399/14/03. [In Persian]
- Statement in a meeting with a group of elites and outstanding academic talents of the country 1400/26/08. [In Persian]
- Statement in a television speech on the occasion of Eid al-Maba'at 1400/10/12. [In Persian]
- Statement in a meeting with a group of students 1401/6/02. [In Persian]
- Statement in a meeting with elites and outstanding academic talents 1401/27/07. [In Persian]
- Statement in a meeting with teachers 1402/12/02. [In Persian]
- Attridge-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", Qualitative Research, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
- Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Taslimi, Mohammad Saeed et al. (2011). Theme and theme network analysis: A simple and efficient method for explaining patterns in qualitative data, Strategic Management Thought, No. 10, pp. 151-198. . [In Persian]

